

پیشرفت در حرف، عقب ما ندگی در عمل

تعطیلات عید معمولا فرصتی را فراهم می کند تا چند روزی بساط سفر برپا گردد. هرچند وضعیت اقتصادی و گرانی حاکم، سفری مطلوب را امکان پذیر نمی سازد اما هم این که چند روزی بعد از یک سال تلاش، استرس و جان کندن انسان بتواند ایامی را در آرامش و به دور از دغدغه های جاری بگذراند نعمتی بزرگ محسوب می شود.

مسافرت های امسال به جز روزهای اول عید نگرانی های زیادی را به سبب وضعیت جوی و جاری شدن سیل در نقاط مختلف کشور ایجاد کرده و استرس و دلهره را جایگزین آرامش نمود. سیل کام عده ای از هم وطنان را در اولین روزهای سال جدید تلخ کرد و غم و اندوه و مصیبت را جایگزین شادی و سرور نمود.

جدای از غمی که بلایای طبیعی بر اردوگاه عید نوروز امسال مستولی کرد مسافرت به برخی از شهرهای کشور و مقایسه سیمای شهری آن مناطق با اردبیل واقعیتی مبنی بر فقر توسعه و پیشرفت در شهر ما و عدم توجه کافی به زیبا سازی و ایجاد فضای مناسب شهری را مورد تأکید قرار می دهد.

اگر کسی به برخی از کلان شهرها و حتی شهرهایی با جمعیت و مساحت متوسط پس از یک سال مسافرت کند در ورود به شهر می تواند تفاوت های گذشت یک سال را در چهره شهر به وضوح مشاهده بکند. می تواند ببیند و احساس بکند که مسئولین آن شهر در یک سال گذشته برای تغییر دادن چهره شهر و زیبا نمودن فضای آن مصمم بوده و به خوبی برنامه ریزی کرده و به موقع به هدف دست یافته اند.

بهبود وضع امور که خود به خود انجام نمی شود، نیاز به کار و تلاش ، یک دلی و همراهی مردم با مسئولین دارد. شعار دادن ، حرف زدن ، سیاسی حرکت کردن و همه چیز را فدای رقابت های جناحی، بانندی و حزبی نمودن نمی تواند در تغییرات مورد نیاز چهره شهر مؤثر واقع شود.

آدم حسودی نیستم که در ارتباط با پیشرفت و توسعه دیگر شهرها تنگ نظر باشم. حسادت بلایی خانمانسوز، فاسد کننده ایمان و تباه کننده زندگی است.

در تعریف حسد آورده اند: "حسد یعنی آرزوی از بین رفتن نعمت از برادر دینی در حالی که می داند آن نعمت به صلاح اوست".

به این که دیگر شهرها هر روز گامی به جلو در مسیر پیشرفت و توسعه

برداشته اند حسادت نمی کنم چرا که مسئولین آن مناطق لیاقت آن را داشته اند که به چنین پیشرفت هایی دست یافته اند ولی این حق را دارم که به وضعیت آن ها غبطه به خورم.

غبطه یعنی آرزوی داشتن آن نعمت برای خود و سعی و کوشش برای رسیدن به آن ، بدون آرزو یا تلاش در زمینه از بین رفتن آن نعمت از دیگری ؛ که حالتی قابل ستایش است و انسان را به تلاش سازنده وادار می دارد. غبطه می خورم به شهرهایی که تغییر در چهره آن ها هر روز قابل لمس و احساس است ولی شهر ما که در حرف ده ها و صدها عامل برای برتری آن می شماریم و با کلمات و لغات از جمله زمستان بیدار، توسعه گردشگری، مگا پروژه ها، ایجاد شغل و کاهش بیکاری و ده ها و ده ها شعار دیگر ادعای بزرگی می کنیم در وضعیت ظاهری شهر و زیبا سازی فضای آن و توسعه ورودی ها درجا می زنیم و این ها در حالی است که حتی برای کسب نمره 19 در عملکرد خود رضایت نمی دهیم و با در اختیار گرفتن فضای مجازی و به راه انداختن باندهای مخوف و خطرناک در بازی با آبروی منتقدان از همه سبقت می گیریم و هیچ برای بهبودی اوضاع اندیشه نمی کنیم و روزمرگی را بهترین وسیله برای ادامه حیات مدیریت خود قلمداد می کنیم.

چرا شهر و دیار ما با چنین مشکلی مواجه شده است؟ آیا به آن فکر کرده ایم و برای برطرف نمودن موانع موجود بر سر راه پیشرفت و توسعه اش اندیشیده ایم؟ در همه شهرهایی که کاروان پیشرفت آن ها با سرعت مطلوب به سمت جلو حرکت می کند یک دلی، یک رنگی ، صمیمیت و چشم پوشی از منافع شخصی و باندهای در قبال منافع جامعه و شهر و استان حرف اول را می زند. در آن شهرها و مناطق اختلاف نظرهای درون خانوادگی را اجازه نمی دهند که به عنوان سدی در برابر وحدت و هماهنگی آن ها برای دست یابی به اهداف مشترک نقش آفرینی نمایند. اختلاف در دیدگاه های سیاسی و ربط دادن آن به امور مورد نیاز شهر و استان در بین آن ها جایگاهی ندارد. وقتی منافع شهر نیاز داشته باشد اختلافات سیاسی ، باندهای، جناحی و حزبی کنار گذاشته می شود و همه در یک صف واحد برای به دست آوردن منافع عمومی پشت سر یکدیگر قرار می گیرند و منافع جامعه را فدای منافع باندهای، جناحی و شخصی نمی کنند.

آیا در اردبیل نیز چنین رفتاری از فعالان عرصه سیاست و اجتماع دیده می شود؟

از سه سال قبل هر حرکت و اقدام شهرداری را انتخاباتی و هدف دار قلمداد کرده ایم . هواداران شهرداری ده ها کانال و گروه در فضای مجازی برای مقابله با منتقدان و مخالفان راه اندازی می نمایند. عده ای قلم به دست منتظرند تا یکی جرئت گفتن جمله وجود ابرو در

بالای چشم دولت تدبیر و امید را به خود بدهد آنگاه با چنان حمله ای مواجه بشود آن سرش ناپیدا. تحمل کوچک ترین انتقاد از دولت محلی را نداشته باشیم و همه اقدام دولتمردان را مباح و آن ها را از هر گونه کم کاری و اشتباه به دور قلمداد نکنیم. برای در اختیار گرفتن فضای مجازی به خوبی هزینه بکنیم و در مقابل، شرافت قلم و استقلال خود را با چندغازی معامله نمائیم. در اصل دفاع کورکورانه از ولی نعمتان کوتاهی نکنیم و دین و دنیای خود را با موقعیت و دیناری معامله نمائیم. در ازای مزیت های مادی چشم بر واقعیت ها ببندیم و رسالت مهم خود مبنی بر دفاع از حق و حقیقت را به آسانی فراموش کنیم. همه چیز را در وابستگی های جناحی و سیاسی خلاصه نکنیم و شایسته سالاری را فدای وابستگی ها و حضور در ستادهای انتخاباتی نمائیم. اجازه نفس کشیدن و یا حتی صدور یک بیانیه ساده به گروه هایی که چون ما فکر نمی کنند را ندهیم و انحصار طلبی را در بالاترین حد خود در معرض نمایش قرار بدهیم.

برای هر چیز به دنبال مقصر بگردیم و سعی نکنیم بارش باران و حتی راه افتادن سیل را هم به دولت های نهم و دهم ربط بدهیم. اجازه کوچک ترین اظهار نظر در مورد دولتمردان فعلی را به احدی ندهیم و تا دلمان می خواهد از موضع قدرت به دولتمردان قبلی ناسزا گفته و کوچک شان بشماریم و خلاصه همه حرف ها، اقدامات، سنجش و اندازه گیری را در اندازه های سیاسی و وابستگی های جناحی خلاصه نکنیم و انتظار داشته باشیم که شهر و استان ما نیز هر روز شاهد تغییر و تحول آن هم از نوع مثبت و رو به جلویش باشد.

تا زمانی که در قبال نیازهای منطقه و دفاع از واقعیت های موجود یک دلی و یک رنگی و همراهی جای باند بازی و تعصب های جناحی را نگیرد و تا موقعی که پست ها و مقام ها نه بر اساس شایستگی و کارآمدی بلکه بر اساس میزان وابستگی به آن نماینده و این جناح و آن باند تقسیم بشود آرزوی تحول و توسعه در امور شهر و استان سرابی بیش نخواهد بود.

وقتی مسئولی سه سال در خواب ناز فرو برود و در قبال برخی از مسائل چشم پیوشد و در آستانه انتخابات تازه به یاد آن ها بیفتد معلوم است که در جلب اعتماد مردم نمی تواند موفق عمل نماید.

شهر و استان برای این که به حق قانونی و طبیعی خود دست پیدا بکند به وحدت و یک دلی همه کسانی که می توانند در این راه مؤثر واقع بشوند نیاز دارد. سیاست پیشگی و حمایت کورکورانه از هر مسئول و صاحب منصبی مانعی مهم برای پیشرفت منطقه محسوب می شود. برخوردار شدن از سفره گسترده مسئولین و زیر چتر حمایت برخی از دست اندرکاران امور قرار گرفتن بزرگ ترین ضربه ها را به استقلال کسانی

که ادعای خدمت به جامعه را دارند وارد می کند. دست روی دست مسئولین گذاشتن و ادعای دفاع از حقوق مردم داشتن پذیرفتنش بسیار مشکل و غیر قابل قبول می شود.

به جای پهن کردن بساط تهمت زنی و حاشیه سازی از منافع استان و منطقه باید دفاع کرد و با پرهیز از هرگونه جانبداری های بودار و هدف دار برای تحرک بخشیدن به حرکت های مثبت و اصولی در استان یک دلی و هم زبانی و بیان واقعیت ها و مبارزه با کم کاری ها و خودمحوری ها در دستور کار قرار گیرد و کشمکش های سیاسی ، جانبداری های جناحی و حرکت های منفعلانه فدای منافع جامعه و همگانی گردد. انشاله.